

طلاق، پنهان در 85 درصد خانواده ها

در میزگرد چالش های خانواده ایرانی مطرح شد:



در میزگرد چالش های خانواده ایرانی، مطرح شد: طلاق، پنهان در 85 درصد خانواده ها

سالهاست می شنویم که خانواده ایرانی دچار مشکلات فراوانی است و افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج سبب بحران در آن شده است، به گونه ای در سالهای آینده چیزی از خانواده ایرانی باقی نمی ماند. این موضوع که خانواده ایرانی دچار چه حالتهای است ه، در آینده به چه سمت، بحث، م، ه، د، یک من گد ب، س، شده است. جام جم سرا: دکتر تقی آزاد ارمکی جامعه شناس، دکتر محسن دهقانی عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی و دکتر اصغر مهاجری جامعه شناس این موضوع را در این میزگرد واکاوی کرده اند.

برخی جامعه شناسان و کارشناسان خانواده معتقدند که خانواده با وجود آسیبهایی که امروز با آن مواجه است یکی از محکم ترین بنیادهای اجتماعی است و در مقابل برخی هم مخالف این موضوع هستند و عنوان می کنند که خانواده ایرانی در حال فروپاشی است. نظر شما در این باره چیست؟

آزاد ارمکی: به طور کل من هم معتقدم که خانواده ایرانی در حال فروپاشی نیست. من در کتاب جامعه شناسی خانواده ایرانی هم بحث کردم که عده ای معتقدند که خانواده در ایران تغییر کرده که تقریباً گروه سنتی و مسئولان دنبال آن بودند و تا دو دهه هم آن را ادامه دادند، یک گروه دیگر هم معتقدند که خانواده ایرانی در حال فروپاشی است. اما به نظر من خانواده ایرانی در حال تغییرات بنیادی است. این تغییرات به معنای فروپاشی نیست، چون اگر اینگونه بود باید این فروپاشی زودتر در خانواده کشورهای غربی اتفاق می افتاد که مدرن تر و روابط اجتماعی راحت تر است. اما الان مشاهده می کنید که در میان آنها درصد ازدواج از کشور ما بیشتر است و در آنجا هم ازدواج، فرزند آوری، تربیت و استمرار دارد و توجه آنها به خانواده خیلی بیشتر از ایران است. مثلاً در انتخابات ریاست جمهوری، او با ما با همسر و فرزندانش می آید و به مردم این موضوع نشان داده می شود. بنابراین این حرف خیلی سست است که بگوییم خانواده در حال فروپاشی است، اما خانواده ایرانی در حال تغییر است و این تغییرات سبب افت و خیز آن شده است. به نظر من در دو دوره رسانه ها و سیاستمداران بحث فروپاشی خانواده را مطرح کردند. یک دوره سال 81 و زمان اصلاحات بود که می گفتند آزادی سبب بی دینی و فساد شده است، اعلام خطر شد و بعد دولت نهم از آن شکل گرفت. الان هم که دوباره این موضوع در حال مطرح شدن است.

دهقانی: من در چارچوب کلی باید بگویم که من هم با آقای دکتر موافقم و اصلاً اینگونه نیست. ما یک نگاه کلیشه ای به خانواده داریم، یعنی اگر این کلیشه ها که از سالها قبل برای ما تعریف شدند نباشد می گوییم خانواده در حال فروپاشی است درست مانند یک قاب عکس که اگر عکس انداره آن نباشد می گوییم قاب خراب است. این نگاه کلیشه ای ما سبب می شود بگوییم که خانواده در حال فروپاشی است چون با گذشته متفاوت شده است. اما خانواده به شدت در حال تغییر است مانند یک موتور پرقدرت که درون ماشینی گذاشتید که توان حرکت ندارد و وقتی با این موتور حرکت می کند چرخها صدا می دهند و سرنشینان تصور می کنند که ماشین در حال فروپاشی است. به نظر من الان ساختار خانواده در حال تغییر است نه فروپاشی.

مهاجری: کارکرد خانواده از گذشته تا به امروز تغییراتی داشته؛ اما جامعه خود را برای این تغییرات آماده نکرده و همین موضوع تنش های فراوانی در خانواده به ویژه فرزندان ایجاد کرده است.

مهاجری: کارکرد خانواده از گذشته تا به امروز تغییراتی داشته؛ اما جامعه خود را برای این تغییرات آماده نکرده و همین موضوع تنش های فراوانی در خانواده به ویژه فرزندان ایجاد کرده است. گروه های متوسط، متوسط به پایین و پایین مشکلات اقتصادی جدی دارند که این مشکلات برای گروه های متوسط به بالا کمتر است. بنابراین علت ها چیز دیگری هستند و ما به دلیل نداشتن مطالعه کافی و کار کارشناسی نکردن و به دلیل عجله کردن به دنبال معلول هستیم که چیزی جز ادا درآوردن نیست و ادای ما شبیه شوخی است. امروزه نگاه به خانواده باید بر اساس ترویج و ایجاد برخی از رفتارها باشد چرا که توسعه یک پدیده کمک به پیشرفت رسانه های خانوادگی خواهد کرد. در صورتی که فعالان عرصه خانواده پویا شوند، مسائل و مشکلات روز خانواده

برطرف خواهد شد و در صورتی که اندیشه ها به جریان های تولید کننده و بازتولید کننده پیوند زده شود یک اثر جدید خلق می شود. خانواده ایرانی در مرحله گذر از خانواده هسته ای به گسترده است که در این میان مانده و شبه گسترده مانده است. اما دو چالش دارد، یکی این چالشهای تغییر را و دیگری چالشهای دخالت دولتی.

همانطور که اشاره شد این ساختار تغییرات گسترده ای را هم در کارکرد خانواده داشته است؟

دهقانی: نه خیلی. خانواده از زمانی شکل می گیرد که دختر و پسر ازدواج می کنند و می توانند در کنار هم آرامش داشته باشند. از همینجا تغییرات شروع می شود و باید پرسید که هر دو به چه دلیلی همدیگر را پسندیدند؟ من از کسانی که برای مشاوره می آیند این سوال را دارم. جواب این سوال به من نشان می دهد که این خانواده می تواند شکل بگیرد یا نه و من از نوع این جوابها به سوال شما پاسخ می دهم که خانواده ایرانی به کجا می رود؟ خانواده لایه های متعددی دارد و در میان زوجهای تحصیلکرده و سن زوجین پاسخها متفاوت است. در گذشته هدف این بود که تشکیل خانواده بدهند و فرزند داشته باشند اما الان هدف، لذت از زندگی است. برای همین زوجها دوست دارند طوری ازدواج کنند که لذت داشته باشند و طوری به زندگی ادامه بدهند که این لذت ادامه داشته باشد. الان معنای لذت در میان زوجها فرق کرده، در گذشته از اینکه صاحب فرزند شوند و او را بزرگ کنند لذت می بردند اما الان اینگونه نیست. از طرف دیگر رویکرد به رابطه جنسی هم الان تفاوت کرده است. در گذشته این لذت برای فرزند آوری و تداوم نسل بود اما الان اینگونه نیست حتی در سنین بالا. الان در تهران به خصوص دیگر چیزی به نام محله نداریم. از سنین ابتدایی و مهدکودک دو جنس را از هم جدا می کنیم تا در دانشگاه. یعنی هیچگونه تعامل جنسیتی میان دختر و پسر نداریم و یک دفعه در مرحله ای که اوج دوران هورمونها است بدون هیچ آموزشی با هم روبه رو می شوند. الان نگرشها به زندگی فردگرایی شده است. بنابراین مصلحت یک خانواده آینده نیست بلکه خود فرد است و این تغییرات الان در خانواده ایرانی وجود دارد. این تغییرات ساختاری است و الان ساختارها و قواعد قبلی تغییر کردند اما از طرفی هم قوانین ما متناسب با این تغییرات دگرگون نشدند.

دهقانی: در گذشته هدف این بود که تشکیل خانواده بدهند و فرزند داشته باشند اما الان هدف، لذت از زندگی است. برای همین زوجها دوست دارند طوری ازدواج کنند که لذت داشته باشند و طوری به زندگی ادامه بدهند که این لذت ادامه داشته باشد. الان معنای لذت در میان زوجها فرق کرده، در گذشته از اینکه صاحب فرزند شوند و او را بزرگ کنند لذت می بردند اما الان اینگونه نیست. از طرف دیگر رویکرد به رابطه جنسی هم الان تفاوت کرده است. در گذشته این لذت برای فرزند آوری و تداوم نسل بود اما الان اینگونه نیست

آزاد ارمکی: الان هم آسیبهایی مانند ازدواج و طلاق را مانند گذشته در خانواده ایرانی داریم اما مانند گذشته است و هیچ تفاوتی نکرده که بگوییم الان خانواده در حال فروپاشی است. ارزش نهاد خانواده کم شده است، اما همچنان این ارزش وجود دارد. این تغییر و کاهش، به این علت است که کسانی که در جامعه زندگی می کنند هم نگاه خودشان به جامعه تغییر کرده و هم خودشان تغییر کرده اند. روابط بین افراد خانواده کم شده و تغییر کرده است، اما این موارد به معنای بحران نیست؛ بلکه به معنای تغییر از خصوصی بودن به عمومی بودن و جهانی شدن خانواده ایرانی است.

مهاجری: وقتی ساختارهای اقتصادی و فرهنگی جامعه تغییر پیدا می کند، مواجه با باورها، ارزشها و هنجارهای جدید اجتناب ناپذیر است. طبق یک دستور حکومتی و فقهی، خانواده باید به عنوان مبنا در تمام برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت دولت مد نظر قرار گیرد اما متأسفانه دولت که وامدار این دستور فقهی و حکومتی است از اهمیت نهاد خانواده غافل مانده است. غربی ها که روزی خانواده گریز بودند هم اکنون برای حل مشکلات اجتماعی خود به خانواده روی آورده اند چرا که خانواده به دلیل ساختار و کارکردهای خاصی که دارد، مانند تولید نسل، شکل دهی اولیه شخصیت، ارتباطات عاطفی عمیق و ارتباطات چهره به چهره و بسیاری از ویژگی های دیگر، قادر است نه تنها مشکلات خود را حل کند بلکه می تواند بسیاری از

مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را حل و فصل کند. در دنیای پیشرفته بنگاه‌های اقتصادی سعی می‌کنند مسائل و موضوعات خود را بر اساس نهاد خانواده حل و فصل کنند اما متأسفانه در کشور ما با وجود اینکه دارای پیشینه و ایدئولوژی قوی ملی در خانواده هستیم، به دلیل تأخر فرهنگی که در سالیان اخیر پیش آمده خانواده دچار چالش شده است که نه تنها نمی‌تواند مسائل اجتماعی بیرون را حل کند بلکه به آن دامن هم می‌زند. آموزش یکی از مهمترین شاخصه‌هایی است که در نهاد خانواده باید گنجانده شود چرا که بعضاً پدر و مادرها قادر به حل و فصل مشکلات روانی، اجتماعی و اقتصادی بین خود نیستند. از سوی دیگر با تغییراتی که در جامعه وجود دارد، والدین نیازمند فاکتورهای تربیتی برای فرزندان خود نیز هستند که با آموزش‌های نهادینه شده می‌توان به فاکتورهای تربیتی مناسب دست پیدا کنند. و نکته پایانی اینکه همانطور که گفته شد معیار ازدواج عوض شده و در معرض دگرگونیهای مداوم قرار گرفته، بنابراین سیاستگذاران جامعه در همه بخش‌ها باید از سطح فرهنگی بالایی که متناسب با تفکر روز باشد برخوردار باشند، در غیر این صورت تضادهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و حقوقی تشدید می‌شوند. فکری که معاصر باشد راهگشا است. فکری که با مقتضیات روز بخواند مسأله آفرین خواهد بود یا مسائل را تعمیق می‌کند و بحران می‌آفریند.

آقای دکتر آزاد، با توجه به اینکه شما کتابی هم در زمینه خانواده ایرانی نوشتید، چه تصویری از الان خانواده ایرانی نشان می‌دهید؟

آزاد: من به یک مفهوم رسیدم. در جامعه امروز ایران، یک چیزی که اهمیت پیدا کرده زندگی است. مردم قدیم هم زندگی می‌کردند اما نه با این معنا؛ آنها سخت زندگی می‌کردند و جمعی بودند و معنای زندگی در آن بود و منفک نشده بود، به صورت تمدنی و سنتی بود. اما در جامعه جدید زندگی براساس مصالح فرد است. الان یک فردیت ایرانی شکل گرفته و به منافع خود فکر می‌کنند. در اینجا زندگی مهم شده است و برای همین همه تعریفها و ساختارها تغییر کردند. حالا اینکه این مولفه‌ها عقلانی هستند یا نه یک بحث دومی است. الان دختر و پسر با ارجاع به نظام سنتی ازدواج نمی‌کنند چون آنجا وظیفه بقای نسل داشتند. در گذشته اگر در یک سال اول بچه دار نمی‌شدند دچار دردسر می‌شدند اما الان حتی بعد از ازدواج دختر و پسر به دنبال این هستند که آیا برای هم مناسب هستند یا نه و اگر نبودند به راحتی از هم جدا می‌شوند. الان طلاقها منطبق اجتماعی پیدا کرده و مبتنی بر فساد نیست چون آنها به دنبال لذت هستند. این معنای فرهنگی از زندگی مشترک است. در این زندگی هدف تداوم نسل و حفظ میراث نیست. آدم‌ها مریض نیستند که ازدواج نمی‌کنند یا طلاق می‌گیرند؛ بلکه آدم‌ها مهم شده و ارزش‌های موردنظر آنها اهمیت پیدا کرده است و این مسئله منشأ اجتماعی و فرهنگی دارد، اما روانپزشکان و روانشناسان به دنبال کشف بیماری مردم ایران هستند. زندگی الان موقعیت فردی و فرهنگ فردی است، یعنی خانواده جایش را به فرد داده است و معنای جدیدی پیدا کرده است.

بنابراین خانواده ایرانی به سمت مدرن شدن پیش می‌رود؟

آزاد ارمکی: الان هم آسیبهایی مانند ازدواج و طلاق را مانند گذشته در خانواده ایرانی داریم اما مانند گذشته است و هیچ تفاوتی نکرده که بگوییم الان خانواده در حال فروپاشی است. ارزش نهاد خانواده کم شده است، اما همچنان این ارزش وجود دارد. این تغییر و کاهش، به این علت است که کسانی که در جامعه زندگی می‌کنند هم نگاه خودشان به جامعه تغییر کرده و هم خودشان تغییر کرده‌اند

آزاد: فرم سنتی است اما از لحاظ محتوا مدرن است و هیچ چیز آن از خانواده جهانی عقب نیست. رفاه، برابری جنسی و لذت الان خواسته هر فردی است. ما نمی‌توانیم فرم و محتوا را تغییر دهیم. متأسفانه دخالت فرهنگ، دولت و قوانینی که داریم نمی‌گذارد خانواده به سمت شکل جدید پیش برود و با تنش مواجه می‌شود. هیچ منطقی مهریه هزار سکه را نمی‌پذیرد اما ما چون یک قالب درست کردیم که مهریه باید 110 سکه باشد دختر و پسر می‌خواهند قانون شکنی کنند. یک کاری باید کرد که فرم و محتوا را به هم پیوند زد تا خانواده به شکل و کارکرد اصلی خود برسد. خانواده ایرانی مدرن است برای همین چالشهای مدرن دارد.

مهاجری: الان نظام حاکمیت و دولت بدهکارترین بنگاه به خانواده است چون خانواده بلندگوی رسمی ندارد. خانواده ایرانی فریب وعده های اجتماعی مثل دادن یک میلیون تومان برای تولد بچه را می خورند، اما زمانیکه برای گرفتن می رود باید برای آن بچنگد. خانواده امروزی کارکردهای دیگری دارد و برخی از کارکردهای خود را سپرده به دولت و جامعه. دولت ما الان انتظار خانواده گسترده را دارد و تغییرات را نمی پذیرد برای همین بین خانواده و دولت تعارض وجود دارد. خانواده از خانه تشکیل می شود اما الان خانواده های ما دغدغه تامین مسکن را دارند. دولت به صورت فرمایشی قصد دارد مشکلات مردم را حل کند. مثلا وزارت جوانان با معماری سبک ازدواج و فرزند آوری در حوزه خانواده دخالت می کند و این اصلا موفقیت آمیز نخواهد بود چون فرهنگ دستوری نیست. ما باید بپذیریم خانواده ایرانی دارای چالش است اما بحران و شکاف ندارد.

دهقانی: من جامعه ایرانی را برخلاف بسیاری از افراد دیگر مدرن می دانم. این آسیبها و عدم تعادلهایی که برخی به آن اشاره می کنند به خاطر همین مدرن بودن اوست و تمام جوامع به آن رو به رو هستند. برخی روان شناسان و جامعه شناسان معتقدند که در جامعه ما خانواده در حال فروپاشی است و از این بابت نگران هستند اما به نظر من محکم ترین نهاد در جامعه کنونی خانواده است.

اما وجود برخی آسیبها مانند افزایش طلاق سبب شده تا خانواده ایرانی استحکام گذشته را نداشته باشد؟ این افزایش طلاق نشانه چیست؟

مهاجری: من 10 سال پیش یک واژه را در یک برنامه تلویزیونی اعلام کردم که 85 درصد خانواده های ایرانی وارد طلاق پنهان شدند. چون همانطور که می دانید طلاق 13 مرحله دارد و آخرین مرحله آن عاطفی است. هیچ کس به طور کامل صد درصد طلاق نمی گیرد و دچار فراموشی نمی شود. مرحله ششم طلاق، طلاق پنهان است که چون به زن انگ می خورد و حمایت اقتصادی ندارد این طلاق ایجاد می شود و زن قدرت ورود از مرحله ششم یعنی طلاق عاطفی به هفتم که حقوقی است را ندارد. اما الان قبح طلاق ریخته شده و ما در آینده شاهد طلاقهای بیشتری خواهیم بود. به نظر من 85 درصد خانواده های ایرانی دچار طلاق پنهان هستند. نظام خانواده در ایران دچار مسئله شده است؛ مثلا تعداد طلاقها و طلاقهای پنهانی یا اجتماعی افزایش یافته اند، زمان طلاق بعد از ازدواج از سه به پنج سال و سن مجرد قطعی نیز کاهش یافته و بسیاری مشکلات دیگر که همگی مسئله شکل خانواده در ایران را تشکیل می دهند و نشان دهنده پوست انداختن نظام خانواده در ایران است که شکل های جدیدی را برای بقای خود تجربه می کند.

مهاجری: نظام خانواده در ایران دچار مسئله شده است؛ مثلا تعداد طلاقها و طلاقهای پنهانی یا اجتماعی افزایش یافته اند، زمان طلاق بعد از ازدواج از سه به پنج سال و سن مجرد قطعی نیز افزایش یافته است، تعداد ازدواجها کاهش یافته و بسیاری مشکلات دیگر که همگی مسئله شکل خانواده در ایران را تشکیل می دهند و نشان دهنده پوست انداختن نظام خانواده در ایران است که شکل های جدیدی را برای بقای خود تجربه می کند.

دهقانی: طلاقهایی که الان به این شکل انجام می شود پاسخی به نیازهای فقدان مهارت به خانواده در ساختار جدید است. خانواده یک موجود زنده است، وقتی زوجی ازدواج می کنند بعد از مدتی بچه دار می شوند به شما می گویند آقای دکتر زندگی ما خیلی خوب بود اما از وقتی بچه دار شدیم دچار مشکل شد یا نه، وقتی به مدرسه می رود و همین طور مشکلات ادامه دارد. خانواده پویا است و رشد می کند، افراد خانواده هم باید پا به پای آن رشد کنند. رشد به معنای آموزش مهارتهاست. یک همسر آیا می تواند مادر یا پدر خوبی باشد؟ ممکن است همسر خوبی باشد اما ممکن است پدر خوبی نباشد. چون وقتی رشد در خانواده وجود دارد باید مهارتهای آن را هم بیاموزیم. یک چیزی که این وسط جا افتاده نهادهای حکومتی است و سیاستگذاران اجتماعی است. در 10 دانشگاه اول حقوق کشور ما هنوز رشته نظام حقوق خانواده را نداریم، سال گذشته در پژوهشکده خانواده برای اولین بار این رشته تدریس شد، چون در این رشته پول نیست. یک اشتباه بزرگ این است که ما فکر کردیم دانشگاه باید پول دربیاورد درحالیکه دانشگاه باید پول خرج کند به خصوص در دانشگاههایی که مربوط به رشته های علوم

انسانی است. آموزش و پرورش باید پول خرج کند، صنعت باید پول در بیاورد. بنابراین زوجهای ما آموزش درست نمی بینند. یعنی دخالت دولت در نظام خانواده را درست می دانید؟

دهقانی: نه به آن معنا. من فکر می کنم که تعریف ما از زندگی عوض شده است اما سیاستگذاران به آن توجه نمی کنند. متأسفانه ما زندگی جوانان را به یک سرپناه تقلیل دادیم سرپناهی مانند مسکن مهر در یک جای دورافتاده که هیچ امکاناتی ندارد. ما یک ترس عمیق اجتماعی داریم و مهریه هم به خاطر اضطراب عمیق تاریخی است. همانطور که گفتم الان ساختارها تغییر کردند و محله نداریم. در قدیم همه همدیگر را می شناختند، معتمد محله بود و به جوانان کمک می کردند الان ما این را از دست دادیم و هیچ بنگاه بیمه ای که در خدمت خانواده باشد و حمایت کند را نداریم. قوانین ما قدیمی هستند، الان رشد پرونده های قضایی به خاطر از بین رفتن همین است، قبلاً این پرونده ها به شکل دیگری حل می شد اما الان همه به محاکم قضایی می روند. خرد جمعی جامعه به سمت مصالح خانواده کار نمی کند. یک معاونت امور زنان داریم که زن و مرد را جدا کردیم اما این همین ایجاد اختلاف می کند. متأسفانه وقتی سند خانواده نوشته می شود اصلاً به تحقیقات اساتید توجه نمی شود و از کسانی استفاده می شود که در این حوزه کار نکردند. برای همین تغییر را به عنوان بحران و فروپاشی می دانیم. اما تحت هر شرایطی خانواده راه خود را می رود و دولت و حکومت عقبتر از آن هستند.

آزاد ارمکی: متأسفانه حوزه سیاست خانواده را محل چالشهای خود کرده است. کسانی که برای خانواده برنامه می نویسند دغدغه و شناخت خانواده را ندارند و بیشتر سیاسی عمل می کنند. خانواده در حوزه تعلیم و تربیت، اخلاق و انسان سازی کار کرده است؛ اما حضور دولت این موارد را مختل کرده است. به طور کلی دولتی شدن خانواده پدیده نوظهوری در ایران است. اصلی ترین قانون جامعه، فرهنگ و اصلی ترین بخش فرهنگ، تعلیم و تربیت است. جامعه ما اهل ادب و اخلاق و اساساً آداب بوده، اما اکنون دارای خشونت نسبت به میانسالان و سالمندان شده است؛ بدین معنی که به جوانان و کودکان مدام می گوئیم که حقوق کودکان و پیران را حفظ کنند، اما این اتفاق در جامعه عملاً رخ نمی دهد. یا اینکه مسکن مهر یک فاجعه برای خانواده به وجود آورد یا همین طرح ازدواج آسان، چرا باید یک سیاست شود. وقتی مردم به لحاظ اقتصادی و اجتماعی آرامش داشته باشد همه این اتفاقات می افتد و نیاز به دخالت و قانونگذاری نیست. الان تمام هزینه ها به عهده خود خانواده است. وقتی یک زن همسرش را از دست می دهد تازه شروع بدبختی اوست ما باید کف را درست کنیم و حمایت های اولیه را از خانواده داشته باشیم. حتی اگر 50 درصد زوجهای ما هم طلاق بگیرند باز خانواده دچار مشکل نمی شود، چون آنها دوباره ازدواج موفقتری می کنند و نظام خانواده بازسازی می شود. اما دولت تعبیر بدی از این موضوع دارد و طلاق را ضد ارزش می کند. من قبلاً هم عرض کرده ام که حوزه سیاست و دین نباید دخالتی در خانواده داشته باشد. مشکل ما مداخله گری نهادهای اجتماعی در عرصه خانواده است.

مهاجری: یکی از مشکلات اساسی خانواده این است که همچون گوشت قربانی در مباحث سیاسی شده است و برای حل هر مشکل کلان، به خانواده رجوع می کنند. مثلاً برای حل معضل اعتیاد مستقیم سراغ خانواده می روند. در حالی که خانواده ایرانی منطق خاص خود را با همه مشکلاتش دارد. چنین روندی، استقلال خانواده برای تحقق اهداف و نیازهای وابسته به خود را مخدوش می کند.

با توجه به اینکه اعلام کردید خانواده ایرانی به سمت مدرنیزه شدن پیش می رود، در آینده با چه جامعه و خانواده ای مواجه خواهیم بود ؟

دهقانی: دولت حق ندارد در قانون خانواده دخالت کند، بلکه باید خود را همکار، همراه و خادم خانواده بداند و نه مداخله گر. منظورم از خادم این نیست که نوکر خانواده باشد، بلکه منظور این است که سیاست های دولت حمایتی باشد و نه مداخله گرایانه. خانواده در سطح کالبدی حیات فیزیکی و جسمانی، نیازمند دولت، نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت ها موظف به فراهم سازی شرایط خانواده از جمله بهداشت، تغذیه و امکانات زندگی هستند. خانواده راه خود را می رود و اینکه دائم بگوئیم در معرض فروپاشی یا نابودی است اصلاً درست نیست. تصویر ما از خانواده یک خانواده آرمانی است؛ درحالی که خانواده فراز و نشیب های خود را طی می کند و هر قدر هم که سد بگذاریم یا از آن عبور می کند یا راه خود را پیدا می کند.

منظورم این تعبیری است که در مورد فردگرایی مطرح می شود؟

آزاد ارمکی: در مورد استحکام خانواده باید با احتیاط حرف زد. باید خانواده را به حال خود بگذاریم تا راه خود را برود. باید ساحت کارشناسی را تقویت کنند تا خانواده به مهارت برسد. اتفاقاً خانواده خیلی هم محکم نیست و در فرایند تغییرات بنیادی است. در این تغییرات، خانواده یک جمع گرایی جدید را تولید می کند که همچنان معتقدم این فردگرایی فردگرایی از تعلق جمعی است نه فردگرایی افراطی. مشارکتهای انتخاباتی این را نشان می دهد؛ یعنی یک فردگرایی ایرانی در متن خانواده در حال شکل گیری است.

دهقان: خانواده کار خود را می کند ، درست پیش می رود و با مقتضیات روز حرکت می کند. خانواده مانند یک آب روان است و نباید جلوی آن سد زد، چون آب روان راه خود را از جای دیگر پیدا می کند یا سد را می شکند. ما باید به نیازهای خانواده توجه کنیم نه اینکه برعکس خانواده نیازهای سیاست را تامین کند.(خبرآنلاین/زهره تالانی)